

شماره: ۳۲

۱۱ ذیقعده ۱۴۲۶

مجموعه مباحث اخلاقی

استاد معظم

حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

اکسیر تحوّل

زیارت حضرت رضا علیه السلام

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين
ولعنة الله على أعدائهم أجمعين .

«إلهي أتراك بعد الإيمان بك تُعَذِّبُني أم بعد حُبِّي إِيَّاكَ تُبَعِّدُني أم مَعَ
رَجَائِي لِرَحْمَتِكَ وَصَفْحِكَ تَحْرِمُني أم مَعَ اسْتِجَارَتِي بِعَفْوِكَ تَسْلِمُني حَاشَا لَوَجْهِكَ
الكَرِيمِ أَنْ تَخَيِّبَني لَيْتَ شِعْرِي أَلِلشَّقَاءَ وَكَدَّتْني أُمِّي أم لِعَنَاءِ رَبَّتِي فَلَيْتَهَا لَمْ تَلِدْني
وَلَمْ تُرَبِّني» .

اهل سعادت و شقاوت در اين فرمايش امام عليه السلام علائمی دارند .
جايگاه سعادت مند قرب الهی و سرانجام شقی بعد و دوری از درگاه
الهی است . «وليتي علمتُ أمِنَ أهلِ السَّعادةِ جَعَلتني وبقربك وجوارك
خَصَصْتِي فَتَقَرُّ بِذَلِكَ عيني» در جوار ذات ربوبی بودن خود يك پاداش و
موهبت بزرگ است ؛ زیرا کسی که کنار یار و محبوب منزل کرده است ،
هر لحظه آنچه را که می طلبد در کنار خود می بیند . کسی که در جوار یار
است غمی ندارد ، همواره چشم او با حضور در محضر محبوب
روشن است .

ویژگی دیگر قرب الهی در بیان امام عليه السلام روشنی نور دیده و
اطمینان قلبی است . «وتطمئن له نفسي» آنچه که خائف در پی تحصیل
آنها است و نگران از عدم موفقیت در به دست آوردن آنها ؛ آرامش
دل ، روشنی چشم ، سعادت و منزل قرب الهی است . «إلهي هل تُسَوِّدُ

وَجُوهًا خَزَتْ سَاجِدَةً لِعَظَمَتِكَ» خدایا! روسیاهی از آن پیمان شکنان و طاغیان است. من که هر شبانه روز بارها پیشانی خضوع به درگاه تو می‌گذارم، آیا مرا نیز رو سیاه و سرافکنده می‌نمایی، تو عذاب را برای نافرمانان، پیمان شکنان و طاغیان وعده کرده‌ای: حال آنکه من بنده خاضع تو هستم. «أَوْ تُخْرِسُ أَلْسِنَةً نَطَقْتُ بِالثَّنَاءِ عَلَى مَجْدِكَ وَجَلَّالَتِكَ أَوْ تَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ أَنْطَوْتُ عَلَى مَحَبَّتِكَ» خدایا! کسی باید زبان به کام بگیرد و لال شود که لب به ناسزا و بدگویی گشوده است. زبان من همواره به توحید، تحمید و اجلال تو مترنم است خداوندا! در قیامت مرا از کسانی که لال محشور می‌شوند، قرار مده. «أَوْ تُصَمُّ أَسْمَاعًا تَلَذَّذْتُ بِسَمَاعِ ذِكْرِكَ فِي إِرَادَتِكَ» کسی باید از شنیدن آوای زیبای وحی محروم باشد، که هرگز به پاس ارادت و ورزی، به ذکر تو مشغول نبوده. آیا گوشهایی که از شنیدن ذکر و نام تو لذت می‌برد، به عذاب خود گرفتار می‌کنی؟ «أَوْ تَغْلُّ أَكْفَأَ رَفَعْتَهَا الْآمَالَ إِلَيْكَ رَجَاءَ رَأْفَتِكَ» خدایا! آیا دستهایی که از روی فقر و استیصال به درگاه تو دراز شده است، را در غل و زنجیر قرار می‌دهی؟ «أَوْ تُعَاقِبُ أَبْدَانًا عَمِلَتْ بِطَاعَتِكَ حَتَّى نَجَلَتْ فِي مُجَاهَدَتِكَ» آیا بدنهایی که در جلب رضایت تو فرسوده شده‌اند را به عذاب خود گرفتار می‌کنی؟ «أَوْ تُعَذِّبُ أَرْجُلًا سَعَتْ فِي عِبَادَتِكَ إِلَهِي لَا تُغْلِقُ عَلَى مَوْحِدِكَ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَلَا تَحْجُبُ مَشْتَاقِيكَ عَنِ النَّظَرِ إِلَى جَمِيلِ رُؤْيَتِكَ» خدایا! آیا قدمهایی که برای جلب خشنودی تو گام برداشته را از رحمت بی پایان خود محروم می‌سازی؟

توحید حقیقی

اگر بنده‌ایی یک گام به سوی خداوند بردارد خداوند وعده کرده ده گام به بنده نزدیک شود. اولین گام جهت حرکت به سمت معبود، توحید است. به لحاظ ظاهری می‌توان گفت که همگی اولین گام را برداشته‌اند. زیرا همگی موحد بوده و به یگانگی خداوند ایمان دارند! اما سوال اساسی این است که، فاصله بین توحید واقعی و شرک چیست؟ آیا گفتن لا اله الا الله به معنای ایمان واقعی داشتن و توحید است؟ در لسان اهل معرفت و همچنین در روایات معصومین علیهم‌السلام بیان شده که شرک فقط شرک در مبدأ نیست. اگر انسان به جای دیگری دل بستگی پیدا کرد، اگر از جاه و جلال دنیا، از مکنات و ثروت و یا هر چیز دیگر معبودی سوای ذات اقدس ربوبی انتخاب کرد؛ در واقع نوعی از شرک خفی را در اعمال خود داراست. خداوند در سورهٔ مطففین مردم را در قیامت به دو دسته تقسیم می‌کند. دستهٔ اول فجّار هستند که جایگاه آنان «سجّین» می‌باشد. دستهٔ دوم ابرار هستند، جایگاه آنان «علیین» است.

قرآن به عنوان بالاترین مرتبه و زیباترین هدیه، برای ابرار قرب الهی را به آنان وعده می‌کند. همچنین آنچه که در انتظار اهل آتش و فجّار است، دوری از رحمت خداست. ﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيَيْنَ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا عَلِيُونَ * كِتَابٌ مُرْقُومٌ * يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ﴾^(۱) (چنان نیست که آنها دربارهٔ معاد می‌پندارند، بلکه نامهٔ اعمال نیکان در «علیین» است.

۱- سورهٔ المطففین، آیهٔ ۱۸ - ۲۱.

و تو چه می دانی «علیین» چیست؟! نامه‌ای است رقم خورده و سر
 نوشتی است قطعی، که مقرَّبان شاهد آنند). «إِلَهِي نَفْسُ أُعَزَّزْتُهَا بِتَوْحِيدِكَ
 كَيْفَ تُذِلُّهَا بِمَهَانَةِ هِجْرَانِكَ» خدایا نفسی را که با توحید و عبودیت خود
 آنرا عزیز کرده‌ای، چگونه این نفس را با دوری از خود ذلیل می کنی؟
 آیا این نفس همراه کفَّار، مشرکین و ملحدین در آتش و منزل
 بُعد تو جای می گیرد؟ خداوند در قرآن بارها در خصوص این
 گرفتاری بزرگ هشدار می دهد:

﴿وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾^(۱) خداوند شما را از

نافرمانی خود بر حذر می دارد؛ و بازگشت شما به سوی خداست.
 با توجه به اینکه امروز روز ولادت عالم آل محمد ﷺ،
 حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام، است. لذا محور گفتگوی این هفته ما
 بر مدار کلمات امام رضا علیه السلام است. به آقایان توصیه می کنم؛ با مراجعه
 به بحار الأنوار و یا تحف العقول در کلمات حضرت امام رضا علیه السلام تأمل
 نمایند. رساله‌های زیادی از حضرت امام رضا علیه السلام که شامل مباحثی
 پیرامون توحید، نبوت، ولایت، امامت، مسائل اخلاقی، احکام و
 فروع شرعی می باشد، بر جای مانده است. یکی از این رسائل
 رساله‌ای است که به تقاضای ذوالریاستین، سهل، که از امام علیه السلام و
 خواهان فهرستی از احکام و معارف اسلامی بود، با انشاء امام علیه السلام و
 املاء سهل مدون گردیده است. این دست روایات و دیگر شواهد
 تاریخی که از آن دوره به دست ما رسیده است، به خوبی نشان می دهد

۱- سوره آل عمران، آیه ۲۸.

که حضور امام علیه السلام باعث تحوّل عظیمی در خطّه ایران گردیده و فعالیت‌های فکری و تربیتی ایشان در این دوره آثار عمیقی بر جای گذارده است. کلمات و هدایت‌های ایشان منشأ تألیفات متنوعی در موضوعات فقهی، کلامی و حتی طب و دیگر علوم گردید.

حالات حضرت امام رضا علیه السلام

دعبل شاعر معروف قصیده‌ایی در مدح اهل بیت علیهم السلام سرود و امام علیه السلام دو بیت به آن افزودند^(۱): امام رضا علیه السلام بعنوان صله ابتدا مبلغی پول به دعبل دادند که او نپذیرفت. حضرت به او پیراهن خود را عنایت فرمودند و به او گفتند^(۲):

«دعبل احتفظ بهذا القميص فإني صليت فيه ألف ليلة ألف ركعة» از این پیراهن خوب نگهداری کن من با این پیراهن هزار شب هزار رکعت نماز به جای آورده‌ام.

چرا امام رضا علیه السلام شبی هزار رکعت نماز می‌خواند؟ او خائف از عقاب است یا طالب وصال؟ انفصال از هر چه غیر خدا شرط اتصال است. موسی بن عمران وقتی با خدا مناجات می‌کرد گفت «یا رب! كيف الطريق إليك» خدایا! چگونه راهی به سوی تو پیدا کنم؟ از

۱- وقبر بطوس یا لها من مصيبة
إلى الحشر حتى يبعث الله قائماً
ألحت على الأحشاء بالزفرات
يفرج عنا الغم و الكربات

۲- بحار الأنوار ج ۴۹ ص ۲۴۸.

درگاه ربوبی جواب آمد «أترك نفسك و تعال إليّ»^(۱) نفس خود را رها کن آنگاه به سوی خدا بیا. اگر از خودت گذشتی و پل نفس را رها کردی به خدا خواهی رسید.

حضرت امام رضا علیه السلام هر سه روز یک ختم قرآن می‌کردند. اینگونه مانند ما قرآن تلاوت نمی‌کرد بلکه در هر آیه‌ای تدبیر می‌کردند. به عبارت دیگر ایشان یعنی روزی ده جزء قرآن می‌خواندند. نکته‌ایی که خصوصاً اهل علم باید به آن توجه کنند سنگینی بار امانت بر دوش آنان است. تحمل این مسؤولیت آداب و شرایطی دارد. خداوند به پیامبر در قرآن می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الْمُرْسَلُ * قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا * نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا * أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا * إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا﴾^(۲) (ای پیامبر! شب را، جز کمی به پا خیز. نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن، یا بر نصف آن بیفز، و قرآن را با دقت و تأمل بخوان؛ چرا که ما به زودی سخنی سنگین به تو القا خواهیم کرد). باید برای پذیرش این قول، فرمان، دستور و مأموریت سنگین آماده شد. قرآن می‌فرماید: آنچه تو را برای تحمل این مأموریت مستعد می‌کند، نماز و تلاوت قرآن، در دل شب می‌باشد. این شبهای طولانی زمستان را قدر بدانیم، هیچ اشکالی ندارد که یک ساعت به اذان بستر گرم، آرام و راحت را رها کنند، وضو بگیرند و به نماز و قرآن مشغول شوند و خود را برای کار و تلاش برای اداء واجب

۱- کشکول شیخ بهائی ج ۱ ص ۱۸۷.

۲- سوره مزمل، آیه ۱-۵.

سنگینی که بر دوش دارند آماده کنند.

حمزه بن حرمان، که از اجله روات و فرزند حرمان بن اعین از آل اعین برادر زراره است. امام صادق علیه السلام به حرمان بن اعین فرمودند: «أنت من شيعتنا في الدنيا والآخرة»^(۱) تو در دنیا و آخرت از پیروان و همراهان ما اهل بیت هستی. اگر کسی چنین تضمینی داشته باشد، مایه مسرت است.

حمزه که فرزند اوست، می گوید: روزی به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم حضرت فرمودند: «يُقْتَلُ حَفْدَتِي بِأَرْضِ خِرَاسَانَ فِي مَدِينَةِ يَمِينَةَ يُقَالُ لَهَا طُوسٌ مِنْ زَارِهِ إِلَيْهَا عَارِفًا بِحَقِّهِ أَخَذَتْهُ بَيْدِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَدْخَلْتَهُ الْجَنَّةَ وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْكِبَائِرِ»^(۲) در سرزمین خراسان در شهری به نام طوس کسی از اهل بیت علیه السلام به خاک سپرده می شود. حضرت فرمودند: هر کس با معرفت به جایگاهش او زیارت کند، در روز قیامت دست او را می گیرم و او را وارد بهشت می نمایم، هر چند زائر اهل ارتکاب گناهان کبیره باشد.

زیارت حضرت رضا علیه السلام همان اکسیری است که اصلاً معدن وجود و جوهره انسانیت زائر را متحول می کند. یکی از علمای بزرگ که از تلامذه مرحوم آقای آخوند ملا حسین قلی همدانی رحمته الله بود، نقل می کرد که در نجف شخصی بود به نام عبد فرار که همه شهر از او ترس داشتند. اگر به مالی یا شیء دیگری طمع می کرد کسی رادع او نبود.

۱- رجال علامه حلی ص ۶۴.

۲- وسائل الشیعة ج ۴ ص ۵۵۵.

می‌گویند شبی مرحوم آخوند ملا حسین قلی از حرم به طرف منزل می‌رفت. در تاریکی از کنار این آدم عبور کرد و اعتنایی به او نکرد. این مسئله برای عبد فرّار گران تمام شد که شیخی آمده و عبور کرده و به او احترام نگذاشته است. آمد جلوی راه شخص را گرفت، و گفت: چرا سلام نکردی؟ این آقا در جواب گفت: تو کیستی که باید به تو سلام کنم. گفت: به من می‌گویند عبد فرّار. گفت: «أفررت من الله أم من رسوله» از خدا فرار کرده‌ای یا از رسول او؟ عبد فرّار سرش را پایین انداخت و رفت. فردا صبح آخوند به عده‌ای از دوستانش گفت: یکی از اولیای خدا از دنیا رفته، برویم برای تشیع جنازه او. شیخ به اتفاق اصحاب به در منزل عبد فرّار سارق مشهور رفتند. از همسر او سؤال کردند او گفت: هر شب دیر وقت به خانه می‌آمد، اما دیشب زود آمد ولی خوابش نمی‌برد. مرتب در حیاط خانه قدم می‌زد و می‌گفت «أفررت من الله أم من رسوله». گاهی یک کلمه جوهر را زیر و رو می‌کند وقتی یک کلمه یک تربیت شده در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام یک انسان سراپا خطا و گناه را زیر و رو می‌کند آیا زیارت ولی عظیم و اعظم الهی نمی‌تواند انسان را زیر و رو کند؟ حتماً چنین است. عده زیادی از اهل معاصی با تقرب به ابی الحسن الرضا علیه‌السلام زیر و رو شدند.

نقل کردند مرحوم حاج میرزا حبیب الله گلپایگانی رحمته‌الله که از او تاد و مقدسین حوزه مشهد بود در حال بیماری و در عالم رؤیا یک گلی از حضرت گرفت. وقتی بیدار شد گل را در دست خود دید. هر کس که بیمار می‌شد و نزد ایشان می‌بردند با اشاره میرزا حبیب الله شفا

می گرفت. اگر یک گلی از دست او به دست کسی برسد چنین اثری داشته باشد اگر کسی زائر حقیقی او باشد چه می شود؟

شرطی که امام صادق علیه السلام در روایت ذکر می کنند شرط بسیار سنگینی است. ایشان اثر زیارت امام رضا علیه السلام را مشروط به معرفت می نمایند. سائلی از حضرت می پرسد که حقیقت معرفت چیست؟ ایشان در پاسخ می فرمایند «یعلم انه امام مفترض الطاعة غریب شهید من زاره عارفاً بحقه اعطاه الله اجره سبعین ألف شهید ممن استشهد بین یدی رسول الله علی حقیقه»^(۱) بدانند و باور داشته باشد که علی بن موسی الرضا علیه السلام امام واجب الطاعة اوست و به شهادت رسیده. «یک بار این چنین به زیارت برود خداوند به او پاداش هفتاد هزار شهید را عطا می نماید.

آن هم نه هر شهیدی بلکه شهیدی که در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت رسیده باشد آن هم نه آنهایی که مجازاً می رفتند و به شهادت می رسیدند آنهایی که حقیقتاً در رکاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت رسیدند یعنی هفتاد هزار نفر آنها یک طرف، زائر با معرفت حضرت رضا علیه السلام یک طرف.

انشاء الله این معرفت را خداوند به همه ما کرامت بفرماید و این عید را بر همه ما مبارک بگرداند و عیدی ما را سعادت دنیا و آخرت همه ما قرار بدهد.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

(۱۳۸۴/۹/۲۳)

۱- وسائل الشیعة ج ۴ ص ۵۵۵.

این دست روایات و دیگر شواهد
تاریخی که از آن دوره به دست ما
رسیده است، به خوبی نشان می‌دهد که
حضور امام علیه السلام باعث تحوّل عظیمی
در خطّه ایران گردیده و فعالیت‌های
فکری و تربیتی ایشان در این دوره
آثار عمیقی بر جای گذاشته است.
کلمات و هدایت‌های ایشان منشأ
تألیفات متنوعی در موضوعات فقهی،
کلامی و حتی طب و دیگر علوم گردید.

محل برگزاری جلسات :

چهار راه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمابر ۷۷۴۳۹۱۹

